

ساخت آوایی زبان تالشی

دکتر حمید حاجت پور

ویژگیهای آوایی گروه زبانهای شمال غربی

زبان تالشی با گستره وسیع از جنوب تا شمال در کشور ایران و آذربایجان جزء زبانهای گروه شمال غربی ایران می باشد. تحقیق و مطالعه دقیق در چگونگی شکل گیری صامتها و مصوتهای زبان تالشی ثابت می کند که از نگاه تاریخی این زبان برخی از خصوصیات آوایی زبانهای باستانی گروه شمال غربی (مادی) را حفظ کرده است. برخی از این موارد به شرح زیر است:

۱. حفظ *z* ایرانی باستان در آغاز واژه ها، در حالی که در زبانهای گروه جنوب غربی، از جمله فارسی میانه و فارسی نو این واج به صورت *d* ظاهر می شود: $zəmā =$ فارسی داماد (*dāmād*)، اوستائی *zāmātar*؛ تالشی *az* به معنای من، پارتی *az*، اوستائی *azəm* فارسی باستان *adam*.
۲. تالشی *s*، برابر اوستائی *s*، فارسی باستان *θ*، فارسی میانه و فارسی نو *h*: تالشی *ruās*، پارتی *rōpās*، فارسی روباه؛ تالشی *pas* گوسفند، اوستائی *pasu*، فارسی باستان **paθu-*، فارسی میانه (Bartholomae 1904: 879, Nyberg 1974: 148) *pah*

۳. تالشی $\bar{z} >$ ایرانی باستان *z*: تالشی *žen* زن، اوستائی *jēni*؛ فارسی زن (*zan*). (Bartholomae 1904: 603): تالشی *že*، اوستائی و فارسی باستان *jan-*، فارسی نوزدن *zadan*.
۴. تالشی *b* (در آغاز واژه) $>$ گویشهای شمال غربی زبانهای باستان *dv*. تالشی گیلان *bar*، تالشی لنکران *ba*، اوستائی *dvar*، فارسی باستان *duvara*، پارتی مانوی *br* [bar]، فارسی میانه *dar*.

۵. حفظ v- آغازی در برخی از واژه‌ها. تالشی گویش خوشابر vā (باد)، فارسی میانه و پارتی vād، ایرانی باستان *vāta، vara (برّه)، فارسی میانه var(r)ag، varg (گرگ)، فارسی میانه gurg، پارتی vurrk، ایرانی باستان *vr̥ka، vini (بینی)، فارسی میانه vinig، var (کنار)، فارسی میانه var، پارتی var، var (برف)، از راه تبدیل vafr به varf (rf < fr) و بعداً حذف f در گروه rf پس از r، ایرانی باستان *vafra، فارسی میانه و پارتی vafr، vi (بید)، فارسی میانه vēd (پارتی vēt) > ایرانی باستان *vaita، vas (بس)، فارسی میانه و پارتی vas، ایرانی باستان vāsā، *vasi (گشاد) (gu- < vi-)، veši (گرسنه)، vāte (گفتن).

این ویژگی‌های زبانی مخصوص زبانهای باستان، مادی، پارتی باستان و بعداً پارتی میانه بوده و در زبانهای تالشی بلوچی، کردی، زازا، گورانی، تاتی، گیلانی و مازندرانی، سمنانی، سنگسری، گویشهای ایران مرکزی، گویشهای همدان، ساوه، سیوندی و غیره باقی مانده است. در مورد چگونگی تحولات تاریخی آوایی زبانهای گروه شمال غربی به ویژه زبانها و گویشهای معاصر، رک. Rastorgueva. 1990: 147-235.

الف) مصوتها

در زبان تالشی خوشابر هشت مصوت وجود دارد. از این تعداد شش مصوت (ə, o, i, e, u, a) کوتاه و دو مصوت (ū, ā) بلند هستند. مصوت ə در تالشی، مصوتی غیر ثابت بوده و از نظر تاریخی به جای مصوتهای کوتاه (u, i, a) به کار می‌رود. در تالشی مصوت مرکب ay در چند واژه زیر دیده می‌شود که یکی از آنها عربی است: ayvun ایوان، hayvun حیوان، kārday (نام محل). محققان شوروی سابق برای تالشی لنکران مصوتهای زیر را پیشنهاد کرده‌اند:

(Miller 1953: 33)	i, e, a, ā, o, u, Ī
(Sokolova 1953: 105)	i, e, a, ā, o, u, ḃ
(Pireyko 1966: 303)	i, e, a, ā, o, u(y), ḃ
(Pireyko 1976: 322)	i, e, ə, a, o, y, bi
(Pireyko, Edelman 1978: 110)	i, e, a, ā, o, u, ü, ḃ

مصوتهای گویش خوشابر از نگاه تاریخی به شکل زیر ادامه مصوتهای ایرانی باستان و زبانهای گروه شمال غربی است: مصوت تاریخی *a در گویش خوشابر به مصوتهای i, e, a تبدیل می‌شود. تبدیل *a ایرانی باستان به e در گویشهای تالشی قبل از rd و nd صورت می‌گیرد. این ویژگی آوایی در زبان پارتی نیز دیده می‌شود. مصوت *u در گویش خوشابر به ə, o, u

تبدیل می‌شود. مصوت i^* ایرانی باستان در گویش خوشابر از نگاه جایگاه آوایی به θ, i تبدیل می‌شود. مصوت θ در گویشهای تالشی و از جمله گویش خوشابر از چند مصوت ایرانی باستان پیدا شده که این به جایگاه کاربرد این مصوت در موقعیت آن در کنار صامت‌ها ارتباط دارد. پیدایش این مصوت چنین است: $\theta > *i, *a, *u, *i, *i, *u, *i$. مصوت θ در گویش خوشابر مثل دیگر گویشهای تالشی موقعیت ویژه آوایی دارد و از این راه مصوت‌های گوناگون ایرانی باستان در این موقعیتهای آوایی به مصوت θ تبدیل می‌شوند، از جمله قبل از گروه صامت‌های $-sk, -\check{z}g, -r\check{s}, -rj, -lt, -lk, -nj, -\check{s}t, -rd, -rz, -kr, -ng, -ft, -\check{s}k, -rs, -sb, -rg,$ و همچنین قبل از صامت‌های m و n در گروهی از واژه‌ها. همچنین مصوت‌های تاریخی مرکب $*ai, *au$ در گویشهای تالشی به مصوت‌های ساده i و \bar{u} تبدیل شده‌اند.

بنابه گفتهٔ ب.و. میلر (33: 1953) در الفبائی که در آذربایجان از جانب دانشمندان تالش تهیه شده بود، برای زبان تالشی هفت مصوت تعیین شده که عبارت‌اند از: a, o, u, b, e, θ, i که میلر برابرها (معادلهای) این مصوت‌ها را چنین بیان می‌کند: $a=a; o=o; u=u, \bar{u}; b=b; e=e; \theta=\theta, \bar{a}; i=i$. در تالشی لنکران بنابه نوشتهٔ همو (53: 1953) مصوت مرکب $ae > ai$ در یک مثال، یعنی واژه $rasae > rasai$ باقی مانده است. میلر معتقد است که بعداً ai به یک مصوت کشیده \bar{e} تبدیل شده است: $rasae < rasai < ras\bar{e}$. تغییر آوایی مصوت مرکب ai به \bar{e} را وی در هنگام بیان سریع واژه می‌داند، اما در فعل $\bar{s}\bar{i}mun > \bar{s}\bar{e}mon > \bar{s}\bar{e}imon$ «ما رفتیم» مصوت \bar{i} را از \bar{e} ($ei >$) مشتق دانسته است، (همانجا).

در میان پژوهشگران تنها وی از این مصوت مرکب یاد کرده است و دیگر دانشمندان از آن سخنی به میان نیاورده‌اند. با توجه به وجود مصوت مرکب در زبان تالشی ایران می‌توان نظر میلر را تأیید کرد. مصوت‌های زبان تالشی استان گیلان از این قرارند:

a : مصوتی است پیشین، گسترده، باز، چنانکه در کلمات $al\bar{a}\check{s}$ (درخت راش)، ara (اژه)، $pard$ (پل)، $a\check{s}k\bar{e}l$ (شخم)، $kavu$ (کاهو)، $amna$ (کیسه)، ama (ما)، az (من)، $avas\bar{a}l$ (فصل بهار).
 \bar{a} : مصوتی است پسین، گرد، باز، چنانکه در کلمات $\bar{a}v$ (آب)، $\bar{a}gla$ (تخم مرغ)، $\bar{a}val$ (تاول)، $r\bar{a}$ (راه)، $x\bar{a}lu$ (دائی)، $\bar{a}vt\bar{a}vn\bar{o}\check{s}$ (غرب)، $n\bar{a}fa$ (ناف)، $g\bar{a}valak$ (قارچ)، $\bar{a}s\bar{a}v$ (آسیاب)، $d\bar{e}r\bar{a}$ (داس درو)، $\bar{a}vt\bar{a}vper\bar{a}$ (شرق)، $\bar{a}vala$ (آبله).

e : مصوتی است پیشین، نیمه گسترده، نیمه باز، چنانکه در واژه‌های $er\bar{a}$ (توت فرنگی)، mex (میخ)، $erzun$ (ارزان)، $enjil$ (انجیر)، $zenjil$ (زنجیر)، $aven$ (آنها)، lef (لحاف)، $lemba$ (تاقچه)، $pune\check{s}$ (پشه).

u : مصوتی است پسین، گرد، بسته، چنانکه در کلمات $ulas$ (از درختان جنگلی)، $tura\gamma$ (نوعی

پنیر)، nun (نان)، šu (شوهر)، kul (تپه)، gusand (گوسفند)، aru (آلوجه)، lur (نوعی پنیر)، sur (شور)، uri (امروز)، ruk (کوچک)، əsbu (ایوان)، maju (عدس).

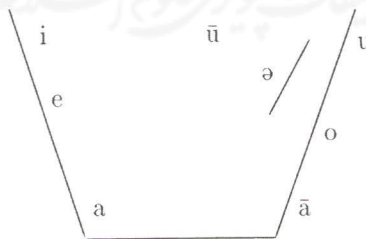
i: مصوتی است پیشین، گسترده، بسته، چنانکه در کلمات ila (یکی)، jir (پایین)، vi (درخت بید)، izəm (هیزم)، izangu (رکاب اسب)، iskām (استکان)، isbi (سفید)، ispit (دشت صاف و هموار)، viša (جنگل)، vijār (مزدگاو نر)، vifčār (زین و یراق اسب)، vigən (پرتگاه)، veši (گرسنه)، teši (تشنه)، vaši (وحشی)، arsi (عروسی).

ə: مصوتی است پیشین (به طرف میان)، نیمه گسترده، نیمه باز، چنانکه در واژه‌های əsba (سگ)، əškəl (سنجاب)، bələ (زعفران وحشی)، əmruz (امروز)، əm (این)، ərs (ارث)، ləng (پا)، čək (غوزک پا)، tə (تو).

o: مصوتی است پسین، گرد، نیمه باز، چنانکه در کلمات čok (خوب)، oraγ (داس درو). ū: واکهای است پسین، گرد، نیمه بسته: ūrdak (اردک)، čül (گوشه)، türk (قرقاول)، dū (دود)، nūnake (پنهانی).

ay: مصوتی است پیشین، گسترده، باز، چنانکه در کلمات ayvun (ایوان)، hayvun (حیوان)، kārday (نام روستائی است)، ayvuna (در دیگ)، āvayna (آینه).

جدول دستگاه مصوتهای زبان تالشی



ب) صامتها

در تالشی استان گیلان ۲۲ صامت وجود دارد، به شرح زیر: p, b, t, d, k, g, γ, f, v, s, š, z, ž, x, h, č, j, r, l, n, m, y.

اما صامتهای تالشی ناحیه لنگران براساس نوشته‌های پژوهشگران شوروی عبارت‌اند از:

۲۲ صامت b, ç, j, d, f, g, q, h, j, l, n, m, v, p, r, s, š, t, v, x, z, ž; (دستور تالشی ژویان، ۱۹۳۵):
(z = ž, š = š v=k, q = γ, j=ç)

۲۲ صامت č, j, h, x, γ, k, t, p, g, d, b, f, l, r, n, m, v, j, s, z, š, ž (میلر ۱۹۵۳):

۲۴ صامت p, b, t, d, k, g, k', g', č, j, f, v, s, z, x, γ, h, š, ž, y, n, m, l, r (ساکالووا ۱۹۵۳):

۲۴ صامت p, b, t, d, k', g', k, g, č, j, f, v, s, z, x, γ, h, š, ž, y, n, m, l, r (پیریکو ۱۹۶۶):

۲۲ صامت p, b, t, d, k, g, č, j, f, v, s, z, x, γ, h, š, ž, j, n, m, l, r (پیریکو ۱۹۷۶):

صامت‌های نرم g', k' تنها از جانب ساکالووا مطرح شده است. پیریکو در دستور زبان تالشی (303: 1966) بر همین عقیده است، اما در دستور مختصر زبان تالشی ضمیمه شده به فرهنگ تالشی به روسی از این صامت‌ها یاد نکرده است. لازم به توضیح است که این دو صامت که توسط ساکالووا مطرح شده در بین صامت‌های تالشی ایران دیده نمی‌شود. صامت‌های تالشی ایران که در تمام گویش‌های آن تقریباً یکسان هستند عبارت‌اند از:

p: صامتی است دو لبی، انفجاری (انسدادی)، بی‌واک، چنانکه در کلمات pu (نخ پشمی)، pəšu (گره)، pələ (پلو)، pešt (پشت)، payim (پیغام)، pūsta (پوسیده)، pāriya (رد پا)، papruz (سیگار)، papuna (پروانه)، pəpu (عمه)، pāčək (پشت پا زدن)، dap (دف، از آلات موسیقی)، kup (حصیر، زیرانداز).

b: صامتی است دو لبی، انفجاری (انسدادی)، واگذار، چنانکه در کلمات bar (در)، rəbār (رودخانه)، asb (اسب)، bərə (برادر)، barja (پنجره)، bəz (بز)، bəlbəl (بلبل)، bābəkamun (رنگین کمان)، bāl (دست)، šəbəš (طنابی که از شاخه نازک درخت برای حمل و بستن بار تهیه می‌کنند)، lukbend (گردنبند)، lembu (لیمو).

t: صامتی است دندانی، انفجاری (انسدادی)، بی‌واک، چنانکه در کلمات tāx (قطره، چکه)، tatil (تعطیل)، tat (داغ)، šət (شیں)، tāv (گرمای آتش)، təri (تیز و برنده)، tiya (میل کاموآبایی)، tavagir (خالی)، tavagir (تب مالاریا)، rayat (رعیت)، rešt (بهمن و ریزش برف و کوه به پایین دره).
d: صامتی است دندانی، انفجاری (انسدادی)، واگذار، چنانکه در کلمات dāz (داس)، vedra (سطل)، gend (نوعی گیاه)، dada (پدر)، dima (سینه کوه)، dūmviku (پرنده دم جنبانک)، dārtəku (دارکوب)، dār (درخت)، du (دوغ)، birdana (یکدفعه، ناگهانی)، tünd (توت)، tənd (تند)، tandur (تنور).

k: صامتی است نرم‌کمانی، انفجاری (انسدادی)، بی‌واک، چنانکه در کلمات karg (مرغ)، šəkr (شکر)، čok (خوب)، kattā (کدخدا)، kul (تپه بلند)، kafāsua (سرازیری)، kača (قاشق)، kələng (چفت و کلون در)، kək (کرچ)، kija (جوجه)، aškəla (ساقه برنج)، tərək (ترک)، tūška (بز یکساله)، tišk (جوانه بذر).

g: صامتی است نرمکانی، انفجاری (انسدادی)، واگذار، چنانکه در کلمات git (شخم زدن)، gəžgən (موی در هم پیچیده)، varg (گرگ)، gištin (کشتی)، gavz (همواری بین دو کوه)، girya (بیلاق)، gā (گاو)، ganz (گوزن)، čigete (گرفتگی ماه یا خورشید)، bargən (پرتگاه)، šəng (سمور)، gazna (گیاه گزنه)، vang (صدای ناله گاو).

γ: صامتی است ملازی، انفجاری (انسدادی)، واگذار چنانکه در کلمات γimat (قیمت)، γaγāz (نام پرندۀ ای)، γāγ (مات و مبهوت)، γāym (کلفت)، γəvat (قوت و نیرو)، γābila (مامای محلی)، γanim (دشمن، ضد)، γaraγuša (خرگوش)، γārγāri (لک لک)، γəlf (قفل)، γalf (بدلی، قلبی)، γuruγ (قرق)، salγa (سلیقه).

f: صامتی است لب و دندانی، سایشی، بی‌واک، چنانکه در کلمات fət (پر و مملو)، məft (مفت و ارزان)، taf (گوشه و کنار)، fūtar (کوتاه قد)، fəruš (فروش)، fərsat (فرصت)، fəlak (بهن و گسترده)، fərmun (حرف گوش کن، رام)، fuza (سوت)، fuš (شن و ماسه)، vifčār (زین و یراق اسب)، teraf (ترب)، šif (شاخه تازه روئیده درخت)، gaf (حرف، صحبت).

v: صامتی است لب و دندانی، سایشی، واگذار، چنانکه در کلمات vir (یاد و خاطره)، avar (آن طرف)، vūz (گردو)، vini (بینی)، var (برف)، vālua (نسیم)، viša (جنگل)، vara (بره)، vavna (بهبانه)، vāvāy (از انواع اسامی برنج)، vada (وعده)، šav (شب).

s: صامتی است لثوی، سایشی، بی‌واک، چنانکه در کلمات sif (سیب)، bəsk (سیخ کباب)، s: (بی‌نمک)، sur (شور)، sər (سرخ)، sabā (فردا)، səb (صبح)، suk (خروس)، səbla (نوعی علف خوراکی)، səst (شل، کم‌رنگ)، sas (صدا)، sam (سهم)، su (روشنایی)، sināv (شنا)، rasan (طناب)، rəs (نخ)، ərs (ارث).

š: صامتی است لثوی-کامی، سایشی، بی‌واک، چنانکه در کلمات šāl (شغال)، pəšu (گربه)، pəš (کج)، šira (شیرین)، šunapapu (شانه بس)، šal (نوع علف، گاو چاق کن)، šətavāš (قاصدک)، šəka (کت پشمی)، vāš (علف)، vaš (روشن)، meš (مگس)، anəštā (گرسنه).

z: صامتی است لثوی، سایشی، واگذار، چنانکه در کلمات zua (پسر)، γazun (دیگ بزرگ)، malarz (عنکبوت)، zəmə (داماد)، zir (دیروز)، zara.j (کبک)، zizā (پرنده سینه سرخ)، zəng (زانو)، zūnū (زبان)، zami (گندمزار)، izəm (هیزم)، manzəl (منزل)، miz (ادار)، avāz (بچه زبور عسل)، hāzər (حاضر)، zirang (زرنگ).

ž: صامتی است لثوی-کامی، سایشی، واگذار، چنانکه در کلمات žen (زن)، əžmarde (شمردن)، ža (جو)، žiya (گوساله ماده)، žangāri (رنگ سبز تیره)، žažagura (بچه جوجه تیغی)، ženaxāzi (خواستگاری)، dərəžd (خشن، ضخیم).

- x: صامتی است ملازی، سایشی، بی‌واک، چنانکه در کلمات xər (ابر، مه)، taxta (تخته)، mex (میخ)، xālā (خواهر)، xəne (حنا)، xu (گراز)، xāla (شاخه)، xuni (چشمه)، xavəj (پیازچه)، xāmila (باردار، حامله)، gəraxuna (رعدوبرق)، rəxun (راه ییلاقی)، lāx (پخش‌وپلا).
- h: صامتی است چاکنائی، سایشی، بی‌واک، چنانکه در کلمات hayvun (حیوان)، hazār (هزار)، hama (همه)، hav (قرص و دارو)، halaruz (روز عادی در مقابل روزهای بازار و...)، hičkami (هیچ کدام)، havāla (حواله)، hāšiya (حاشیه)، hašam (حشم)، harkam (هر کدام)، havsala (حوصله)، ahar (خورنده).
- č: صامتی است لثوی-کامی، انفجاری-سایشی، بی‌واک، چنانکه در کلمات čəla (چگه)، gāč (طویله گوساله‌ها)، pič (بخاری)، parčün (پرچین)، čara (چریدن) paračaragusand (گوسفندی که در حاشیه رمه می‌چرد)، pāčək (پشت پا زدن)، čək (غوزک)، čake (شکستن)، čūabar (در چوبی)، čičma (تابوت)، čāla (چاله).
- j: صامتی است لثوی-کامی، انسدادی-سایشی، واگذار، چنانکه در کلمات jikar (تشک)، vija (وجب)، jir (پایین)، jirapera (سر بالائی)، jingiz (نام پرنده‌ای است)، jārša (پارچه بزرگی که خانمها به کمر می‌بستند)، pājma (دامن زنانه)، jada (جاده)، jəft (جفت در مقابل تک)، jut (الکن)، janj (تخم مگس)، gija (کنه)، tija (علف تازه).
- r: صامتی است لثوی، لرزشی، واگذار، چنانکه در کلمات rūās (روباه)، bərz (برنج)، darz (خرمن برنج)، razār (درخت توسکا)، ruanās (درخت گیلاس وحشی)، rəkən (بونه‌زار انبوه)، rəbār (رودخانه)، gurave (جوراب)، riya (رد پا)، rama (رمه)، raj (رج، ردیف).
- l: صامتی است لثوی، کناری، واگذار، چنانکه در کلمات lərt (له شده)، tala (تله)، kamkil (ناقص، معلول)، lusak (گربه وحشی)، lavla (سطل ساخته شده از پوست درخت)، lak (درخت اقاچیا)، lilāv (آب گل‌آلود)، lil (گل‌آلود). bāl (دست)، ləv (لب)، lakatār (فرنی)، ləs (چوبدستی).
- m: صامتی است دولبی، خیشومی، واگذار، چنانکه در کلمات māy (ماهی)، mama (مادر بزرگ)، šum (شخم)، māni (خاله)، məzā (بازی)، miya (گوسفند بره مرده)، muz (مورچه‌پرداز)، məlāl (نام درخت)، lūma (دم بریده، کوتاه دم)، mərə (مهره)، ama (ما)، gandəmahar (نوعی گنجشک)، garmālat (فلفل).
- n: صامتی است لثوی، خیشومی، واگذار، چنانکه در کلمات nūnake (یواشکی، محرمانه)، bən (زین)، bəna (نهاد درخت)، nat (نفت)، nāmerd (نامرد)، nun (نان)، nanā (نعناع)، niyat (نیت)، nama (نمد)، nəγra (نقره)، zəfrun (زشت)، zindān (زندان)، zenjil (زنجیر).

y: صامتی است کامی، روان، واکدار، چنانکه در کلمات yāl (بزرگ)، pāyz (پاییز)، dayašte (نگاه کردن)، xayf (حیف)، diyaren (دیگران)، dälāy (مضایقه)، ayvun (ایوان)، yaxa (یقه)، yak (یک)، yandəbapešt (پشت سر هم)، yažan (دائمی)، yasla (گوسفند یکساله)، ayvuna (در دیگ)، xayxāt (هیئات).

جدول صامتها

محل تولید نحوه تولید	دو لبی	لب و دندانی	دندانی	لثوی	لثوی- کامی	کامی	نرمکامی	ملازی	چاکنائی
انفجاری (انسدادی)	p b		t d				k g	ɣ	
سایشی		f v		s z	š ž			x	h
انسدادی-سایشی					č j				
غلطان (لرزشی)				r					
کناری				l					
خیشومی	m			n					
نیم مصوت (روان)						y			

در مورد جایگاه تولید صامتها در زبان تالشی آذربایجان، رک. Sokolova 1953: 112-116; Miller 1953: 53-66; Pireyko 1976: 323.

کتابنامه

- Миллер, Б.В., 1953. *Талышский язык*. М., 267s.
 Оранский, И. М., 1979. *Иранские языки в историческом освещении*. М., 238s.
 Оранский, И. М., 1988. *Введение в иранскую филологию*. М., 389s.
 Пирейко, Л. А., 1966. *Талышский язык*. Языки народов СССР. Т. I. Индоевропейские языки. М., 302-322.
 Пирейко, Л. А., 1976. *Талышско-русский словарь*. М., 352s.
 Пирейко, Л. А., 1978. Эдельман. "Новоиранские языки. Северо-западная группа". *Языки Азии и Африки*. М., 110-156.
 Пирейко, Л. А., 1990. "Талышский язык". *Лингвистический энциклопедический словарь*. М., 504.

- Расторгуева, В. С., 1982. Эдельман Д. И. "Прикаспийские языки". *ОИЯ. НЯ.* М., 447-554.
- Расторгуева, В. С., 1990. *Сравнительно-историческая грамматика западноиранских языков. Фонология.* М., 253s.
- рисс, П. Ф., 1855. "О Тальшинцах, их образе жизни и языке", *Записки Кавказского отд. Русского географического общества.* КН. III., 7-25.
- Соколова, В. С., 1953. "Тальшский язык". *Очерки по фонетике иранских языков.* М.,-Л., 104-121.
- Bartholomae, Chr., 1904. *Altiranisches Wörterbuch.* Strasburg.
- Nyberg, H. S., 1974. *A Manual of Pahlavi.* Part II. Glossary, Wiesbaden, 284pp.
- Tedesco, P., 1921. "Dialectologie der Westiranischen Turfantexte", *Le Monde Oriental.* Uppsala. T. 15, fasc 1-3, S 184-256.



